بررسي اعتبار تجربي تئوري ناكامي ـ پرخاشگري، تماشاگران فوتبال شهر تهران

دكتر مهدي رحمتي

هدف مقالة حاضر واكاوي تجربي يكي از تبيين‌هاي رايج در خصوص خشونت و پرخاش گري بين طرفداران تيم هاي فوتبال است . در اين مقاله، ابتدا پرخاش گري و خشونت ورزشي تعريف و دسته بندي مي شود، سپس با تلقي خشونت و پرخاش‌گري، به مثابة امري رواني ـ اجتماعي، تلاش شده است تا با استفاده از تئوري ناكامي ـ پرخاش گري واكنش هاي طرفداران تيم هاي فوتبال در شهر تهران در مواجهه با وضعيت هايي كه منجر به ناكامي آنان در دستيابي به هدف هاي ورزشي شان مي‌شود، تحت بررسي و تحليل قرار گيرد . فرضية اصلي پژوهش اين است كه «ناكامي طرفداران تيم هاي فوتبال در دستيابي به اهداف ورزشي‌شان سبب گرايش آنان به انجام رفتار پرخاش جويانه و خشونت آميز مي شود». جمعيت آماري پژوهش حاضر را 284 نفر از طرفداران دو تيم استقلال و پرسپوليس تشكيل مي‌دهد و اطلاعات مربوطه با شيوة پيمايش در خلال برگزاري جام برتر باشگاه هاي ايران در سال 81-1382 گردآوري شده است . يافته‌هاي

* جامعه‌شناس، عضو هيأت علمي دانشگاه گيلان
<mehdi_rahmati@Hotmail.com>

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

پژوهش حاكي از اين است كه ناكامي تنها بخشي از پرخاش‌گري و خشونت ورزشي طرفداران تيم‌هاي فوتبال را در هنگام برگزاري مسابقه تبيين مي‌كند.

كليد واژه‌ها: پرخاش‌گري كلامي، خشونت فيزيكي، ناكامي، ورزش

تاريخ دريافت مقاله: 1383/5/31 تاريخ پذيرش مقاله: 1383/9/9

مقدمه

ورزش سهم عمده اي از زمان و انرژي افراد در جوامع مختلف را به خود اخ تصاص داده و جايگاه حايز اهميتي در فرهنگ جوامع پيدا كرده است . در بين فعاليت‌هاي گوناگون ورزشي در سراسر دنيا ، بي‌ترديد فوتبال پرطرفدارترين، پربيننده ترين و پرمشاركت‌ترين فعاليت ورزشي است و گسترش روزافزون آن سبب شده مرزهاي جغرافيائي، نژادي، قومي، سياسي و عق يدتي را درنوردد . موقعيت تيم‌هاي فوتبال، ناكامي يا كاميابي آن‌ها در سطوح مختلف محلي، ملي، و بين‌المللي اهميتي فراوان در بين مردم جوامع مختلف پيدا كرده است . از جمله موضوعات حائز اهميتي كه به ويژه در دو دهة اخير طرف توجه قرار گرفته است، رويدادها ي خشونت‌بار در ورزش فوتبال است كه هر از چندگاهي جلوه‌هائي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

از آن را مي‌توان در هنگام برگزاري مسابقات ملي و بين المللي مشاهده كرد . به نظر برخي از پژوهشگران، در بين فعاليت هاي ورزشي تنها ورزش فوتبال است كه سبب ايجاد اوباش گري (Hooliganism) به مفهوم مرسوم آن مي‌شود (Cashmore,1998:218). آشكارترين نمونة رفتارخشونت‌آميز بين طرفداران فوتبال همين پديدة موسوم به "اوباشگري" است كه امروزه به شكل نسبتاً سازمان يافته‌اي در كشورهاي صاحب فوتبال به ويژه در اروپا رواج دارد . اهميت موضوع خشونت و پرخاشگري در ورزش سبب شد كه از دهة 1960 ميلادي پژوهشگران تبيين‌ها و تفسيرهاي گوناگوني دربارة اوباشگري و خشونت تماشاگران مسابقات فوتبال مطرح كنند.

1) خشونت و پرخاشگري چيست؟

تعاريف فراواني دربارة خشونت و پرخاشگري ارائه شده است: برخي پرخاشگري را واكنشي غريزي به ناكامي، و رقابت براي دستيابي به من ابعي مي‌دانند كه عمدتاً ازطريق برخورد بدني تجلي مي‌يابد (Argyle,1993:220). برخي ديگر پرخاشگري را هر نوع رفتاري تعريف مي‌كنند كه به ديگري آسيب وارد مي‌كند (Smith &, Bond,1993:68). بركويتز (Berkowitz) با تعريف پرخاشگري به عنوان ايراد آسيب عمدي به ديگري، مي افزايد اين آسيب ممكن است رواني يا فيزيكي باشد. خشونت معمولاً براساس شدت آسيب از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

پرخاشگري متمايز مي‌شود و كنشي است كه عامل آن به عمد براي آسيب رساني فيزيكي به ديگري تلاش مي‌كند (Berkowitz,1986:307). كاكلي (Coackly) در تعريفي نسبتاً جامع از پرخاشگري مي‌گويد: "پرخاشگري ناظر به رفتاري است كه با نيت تخريب اموال يا صدمه زدن به شخص ديگر انجام مي شود و متضمن بي توجهي محض به سلامت ديگران و احتمالاً خود است. پيامدهاي پرخاشگري ممكن است فيزيكي يا روان شناختي باشد" (Coakley,1998:180). بنابراين، مي توان خشونت و پرخاشگري را از نظر مفهومي به عنوان عملي در نظر گرفت كه از روي اراده و آگاهي به منظور آسيب‌رساني فيزيكي يا روحي ـ رواني به ديگري انجام مي‌پذيرد.

رايج‌ترين تقسيم بندي در باب پرخاش گري، تقسيم‌بندي دوگانة آن به دو نوع بازتابي و ابزاري (Reactive/Reflexive & Instrumental) است. پرخاشگري بازتابي است كه في‌نفسه با هدف ايراد آسيب فيزيكي يا رواني انجام مي‌شود (Wiggins,1994:372 ., Alderman,1975:228). به تعبير لئونارد، اين نوع پرخاشگري اساساً داراي مؤلفه‌اي احساسي بوده و هدف از آن آسيب رساني است (Leonard,1988:165) و در جريان آن فرد پرخاش گر به سبب تلقي ديگري به مثابة تهديد يا محركي آسيب‌رسان خشمگين و برآشفته مي شود (Blanchard,1985:255). پرخاشگري ابزاري شامل ضرب و جرح و وارد ساختن درد و رنج به ديگري به مثابة ابزاري براي دستيابي به يك هدف است كه شكل محسوس آن مي‌تواند دستيابي به اهداف گوناگوني مانند پاداش مادي، پيروزي، افتخار، يا تحسين باشد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

(Ibid).

پيترمارش و همكارانش نيز به دو نوع پرخاشگري، يعني پرخاشگري واقعي و آييني باورمندند. اولي را اعمال خشونت جسماني عليه ديگران تعريف مي‌كنند و دومي را كنايي و انمادين مي نامند. پرخاشگري آييني محصول توافق در خصوص مجموعه‌اي از قواعد است كه از گفته هاي شركت‌كنندگان در آن مي‌توان آن‌ها را استنباط كرد (ويليامز و ديگران، 1379: 69-70).

برخي پژوهشگران براساس شيوة تجلي پرخاشگري و خشونت، آن را به دو نوع كلامي و فيزيكي تقسيم‌بندي كرده اند (Russel,1993). پرخاشگري كلامي در جريان تقابل و رويارويي دو فرد يا دو گروه، از طريق تهديد، جنجال، تمسخر و استهزاء و سخنان توهين‌آميز بروز مي كند. دانينگ (Dunning) و همكارانش معتقدند: " خشونتِ ابزاري مي تواند هيجان‌انگيز هم باشد؛ يا خشونت عاطفي ممكن است طراحي يا تدارك شده باشد (ويليامز و ديگران، 1379: 155).

2) خشونت و پرخاشگري ورزشي

واژة خشونت و پرخاشگري در عرصة فعاليت‌هاي ورزشي براي توصيف گستره اي از كنش ها استفاده مي شود و به شكل هاي ابزاري و بازتابي، و كلامي و فيزيكي تجلي مي يابد و از سوي مشاركت كنندگان در قبال ساير بازي‌كنان، تماشاگران، مربيان، مقامات ورزشي، عامة مردم و اموال به كار بسته مي شود (Alderman,1975:229). ارونسون نيز با تمايز بين دو نوع پرخاشگري ابزاري و بازتابي يا عاطفي، امكان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

وقوع هر دو را در عرصة ورزش متذكر مي‌شود (ارونسون، 1369: 164).

به اين ترتيب، خشونت و پرخاشگري ورزشي را مي‌توان به عنوان رفتاري تعريف كرد كه خارج از قواعد و هنجارهاي ورزشي رخ مي دهد؛ سبب آسيب عمدي مي‌شود؛ و ارتباط مستقيمي با اهداف رقابتي ورزش ندارد (Terry & Jackson,1985:2). آسيب زدن به ديگري روش‌هاي مختلفي چون تحقير، اهانت، دشنام و توهين، يا تلاش براي آسيب‌زدن فيزيكي دارد. در هر مورد، هدف اين نوع رفتار آسيب رساندن به ديگري/ ديگران، يعني تحميل درد و رنج ، به شكل فيزيكي يا روحي ـ رواني است.

3) چارچوب نظري

آثار تجربي و نظري كه در خلال نيم قرن اخير دربارة رفتار پرخاش‌جويانه و خشن به وجود آمده، عمدتاً در دو گروه جاي مي گيرند: نخست، برخي كه منبع پرخاشگري را ملهم از سايق هاي دروني و غرايز در نظر مي‌گيرند؛ و دوم، از آن دست آثاري كه پرخاشگري و خشونت را واكنشي به رويدادهاي محيطي مي‌دانند كه از طريق آموزش فرهنگي و فردي تعديل مي‌شود (Baenninger,1991:1). اما رويكردهاي نظري در باب خشونت و پرخاشگري در حوزة علوم انساني را مي‌توان با توجه به جنبه هاي مشتركي كه دارند در سه پارادايمِ زيست شناختي، روان شناختي، و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

جامعه شناختي قرار داد.*

در اين مقاله، با درنظر گرفتن خشونت و پرخاشگري طرفداران فوتبال به مثابة امري رواني ـ اجتماعي سعي مي شود تا با استفاده از تئوري ناكامي ـ پرخاشگري، واكنش هاي طرفداران تيم هاي فوتبال در شهر تهران در قبال وضعيت هائي كه منجر به ناكامي آنان در تحقق اهدافِ ورزشي شان مي‌شود، تحت مطالعه قرار گيرد. در واقع، هدف مقالة حاضر واكاوي تجربي يكي از تبيين هاي رايج در خصوص خشونت و پرخاشگري بين طرفداران فوتبال است.

4) تئوري ناكامي ـ پرخاشگري

در روان‌شناسي، صرف‌نظر از اشاره به برخي عوامل مانند كم هوشي، نابساماني كروموزومي، اختلال مغزي و عصبي و رفتار غريزي كه براي تبيين پرخاشگري و خشونت بدان استناد مي شود، مي توان به تئوري ناكامي ـ پرخاش گري (Frustration–Aggression Theory) اشاره كرد. در اين تئوري، پرخاشگري، برآيند جرياني در نظر گرفته مي‌شود كه در آن افراد از دست يابي به هدف يا اهداف خويش باز مي مانند و احساس ناكامي

* براي آشنائي با بحث هاي مربوط به نظريه هاي خشونت و پرخاشگري در ورزش رجوع شود به دو مقالة زير:
الف) رحمتي، محمد مهدي (1381). " بررسي و نقد نظريه هاي جامعه شناختي دربارة خشونت ورزشي". فرهنگ عمومي، شماره 30.
ب) محسني تبريزي، علي‌رضا و رحمتي، محمد مهدي (1381). "سيري در مفاهيم و نظريه هاي خشونت، پرخاش و پرخاشگري در ورزش"، نامة علوم اجتماعي، شماره 19.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

در آن‌ها شكل مي‌گيرد. ناكامي حاصل از چنين جرياني در نهايت سبب بروز رفتار پرخاش‌جويانه بين افراد مي‌شود. مهم‌ترين هدفي كه به عنوان محور آسيب تحت توجه قرار مي‌گيرد، منبع يا منابع ناكامي است. ناكامي احساسي است كه در نتيجة ايجاد مانع بر سر راه رسيدن به هدفي كه فرد آن را مطلوب مي‌شمارد پديد مي‌آيد (محسني تبريزي، 1379: 7). اين هدف مي‌تواند ذهني باشد، ـ يعني ـ اين كه فرد گمان كند كه در حال رسيدن به هدف دلخواهش است و لذتهاي آن را پيش‌بيني كند ـ و يا ممكن است در رفتار ظاهري تجلي يابد. در هر حال، چنان‌چه اتفاقاً مانعي سد راه تحقق اهدافي كه فرد انتظار دستيابي به آن را دارد شود، مي‌توان گفت كه وي ناكام شده است ويژگي اين تعريف، متمايز ساختن ناكامي از محروميت است مردم فقط به خاطر نداشتن چيزي ناكام فرض نمي‌شوند؛ ناكامي زماني رخ مي‌دهد كه فرد در دستيابي به هدفي كه انتظار رسيدن به آن را دارد با شكستي پيش‌بيني نشده مواجه مي‌شود (Berkowitz, 1986: 310-311 & Leonard, 1988: 170). به اين ترتيب، براساس تئوري مذكور پرخاشگري واكنشي عام به ناكامي است.

تئوري ناكامي ـ پرخاشگري در آغاز در (1939) از جانب روان‌شناساني مانند دولارد، دوب، ميلر، مورر و سيرز (Sears) مطرح شد كه مبتني بر دو پيش فرض بود: اول، ناكامي سبب بروز برخي اشكال پرخاشجويي مي‌شود؛ دوم، كنش‌هاي پرخاش‌جويانه حاصل برخي اشكال ناكامي هستند (Brehm & Kassin,1993 & Myers,1994,.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

Schellenberg,1974:82-3). از دهة 1940 به بعد، پژوهش‌هاي فراواني در باب ارتباط پرخاشگري با ناكامي انجام پذيرفته است. از جمله مفاهيم مهمي كه در جريان تحولات نظري تئوري ناكامي ـ پرخاشگري وارد آن شده مفهوم جاب هجايي يا تعويض (Displacement) است. شخص ناكام از انگيزة فراواني براي حمله به موانع موجود در راه دستيابي به اهداف خود برخوردار است. رنج و ناكامي حاصل از عدم تحقق هدف سبب تحريك كينه و دشمني در فرد ناكام مي‌شود. هنگامي كه علت ناكامي مشخص نباشد، يا اقدام عليه آن به سبب عدم دسترسي به آن، بيم از تنبيه احتمالي، انتقام جويي يا ترس ميسر نباشد، كينه و دشمني ناشي از ناك امي تغيير جهت مي دهد (Collins,1970:265). در جريان اين تغيير جهت، فرد ناكام، پرخاشگري و خشونت خود را متوجه كساني مي‌كند كه به پندار وي با عامل ناكامي اش ارتباط دارند. ريچارد كرچفيلد در توصيف جابه‌جايي متذكر مي‌شود كه : " هدف جاب هجايي لازم نيست با علت ناكامي مربوط باشد، معمولاً رفتار پرخاش گرانه ارتباط چنداني با علت ناكامي ندارد . مثلاً فردي كه بر اثر شكست در رسيدن به شغل دلخواه ناكام شده است، ممكن است نسبت به همسر و فرزندان خود پرخاشگر باشد " (كرچفيلد و همكاران، 1347: 84). جابه‌جايي اگر با امري صورت گيرد كه از نظر فرهنگي يا اخلاقي عالي‌تر از هدف اجابت نشده باشد "به‌گرايي (Sublimation) خوانده مي‌شود. فرويد پيشرفت تمدن را نتيجة همين جاب هجايي‌ها، يعني پس زدن خواسته‌هاي غريزي نخستين و متوجه ساختن نيروي آن‌ها به سوي هدف هاي اجتماعي و فرهنگي مي داند (كرچفيلد و ديگران، پيشين).

لئونارد بركويتز براساس اين نگرش كه رفتار به درجات مختلف محصول تاثيرات طبيعي و محيطي بر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

ارگانيسم زنده هستند، بر اين باوراست كه ناكامي، خودبه‌خود سبب تحريك پرخاش گري نمي‌شود و قرار گرفتن در معرض الگوهاي پرخاشگري نيز هميشه منجر به تجلي پرخاش گري نمي‌شود. بركويتز تأثير پالايندة «پرخاشگري تجلي‌يافته» را به طور كامل رد نمي‌كند، اما معتقد است واكنش پرخاشجويانه به يك محرك واقعي يا خيالي، به طور م وقت منجر به نوعي احساس رهايي مي‌شود.

نتيجه‌گيري بركويتز در خصوص منشاء راه هاي اشاعة رفتارپرخاشجويانه، مبني بر اين‌كه غرايز بيولوژيكي و يادگيري درهم تنيده اند، حايز اهميت است. تمايزگذاري بركويتز بين پرخاشگري "مشروع" (مجاز) و پرخاشگري "نامشروع" (خطا)، تقسيم‌بندي مهمي براي فهم بهتر پرخاشگري در عرصة ورزش است. برخي برخوردهاي فيزيكي در فوتبال يا مشت زدن در ورزش مشت زني، نمونه‌هايي از پرخاشگري مشروع در كنش‌هاي ورزشي به شمار مي‌آيند. اما علي‌رغم ماهيت فيزيكي و پرخاش‌جويانه ورزش‌هايي مانند مشت‌زني و فوتبال، هيچ قاعد ة ورزشي در اين دو رشته خفه‌كردن را مجاز نمي‌شمارد. از ديگر سو، قواعد ورزشي رشته‌هايي مانند جودو يا كشتي، برخي اعمال و حركت‌هاي پرخاشجويانه مثل تحت فشار قرار دادن بدن و پرتاب كردن را مجاز مي‌شمارند، اما اعمالي مانند مشت زدن يا برخورد فيزيكي شبيه به فوتبال را روا نمي‌دارند."آستانة تحمل" و نيز "پرخاشگري و خشونت" در قبال كنش هايي كه در محدودة مبه م پرخاشگري مجاز و غيرمجاز رخ مي‌دهند، عرصه‌اي است كه در چارچوب تئوري ناكامي ـ پرخاشگري نياز به بررسي دقيق و موشكافانه دارد.

ديدگاه‌هاي جديد تئوري ناكامي ـ پرخاشگري به اين مسئله اذعان دارند كه دامنة تجلي و بروز پرخاشگري در عرصة فعاليت هاي ورزشي به عواملي مانند فراواني شكل‌گيري و بروز ناكامي، آستان ة

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

تحمل افراد در رويارويي و مواجهه با ناكامي، ميزان رويدادهايي كه منجر به ناكامي مي شوند، و دامنة انتظارات افراد در قبال مجازاتي كه به رفتار پرخاشجويانه تعلق مي‌گيرد، بستگي دارد. از اين منظر، رفتار هواداران تيم هاي ورزشي را كه در ورزشگاه ها حضور پيدا مي كنند مي‌توان به دو نوع پرخاشگري مجاز و غيرمجاز تقسيم كرد . از نمونه‌هاي پرخاشگري مجاز مي‌توان به شعارهائي كه براي طرفداري از تيم محبوب صورت مي‌پذيرد اشاره كرد. همچنين، در چارچوب هنجارهاي رسمي و غيررسمي حاكم بر رفتارت ماشاگران در ورزشگاه، فريادهاي اعتراض به مسئولان، داور يا بازيكنان را در صورتي كه با الفاظ ناپسند آميخته نبا شد، مي‌توان در زمرة پرخاشگري مجاز تلقي كرد.

در اين پژوهش، ناكامي به عنوان متغير مستقل و به مفهوم احساسي كه برآيند ايجاد مانع در راهِ رسيدن به هدف م وردنظر است، درنظر گرفته شده است. با توجه به چشم انداز نظري اين مطالعه ، ناكامي از منظر رفتار طرفداران تيم‌هاي فوتبال در حيطة ورزشگاه ها و در شش جنبه طرف توجه قرار گرفته است. عدم توفيق و ناكامي براي حضور در ورزشگاه، نمايش دور از انتظار و ضعيف بازيكنان تيم محبوب در هنگام مسابقه، خطاي بازيكنان تيم حريف روي بازيكنان تيم محبوب، استنباط قضاوت نادرستِ داورعليه تيم محبوب، ناكامي و شكست تيم محبوب و عدم دسترسي به تسهيلات و امكانات رفاهي و خدماتي (آبخوري، سرويس هاي بهداشتي، بوفه و مكان نشستن) در داخل ورزشگاه ، به ع نوان مصداق‌هاي شش گانة به وجودآورندة احساس ناكامي طرفداران تيم‌هاي ورزشي تحت مطالعه، هنگام حضور در ورزشگاه درنظر گرفته شده اند. متغير وابستة پژوهش، پرخاشگري و خشونت است كه به شكل هاي مختلفِ كلامي و فيزيكي تحت بررسي قرار مي گيرد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

توهين، دشنام و دادن شعاره ايي كه حاوي الفاظ نامناسب هستند به عنوان مصداق رفتار پرخاشجويانه در نظر گرفته شده اند. درگيري فيزيكي با طرفداران تيم رقيب، پرتاب اشياء به سوي بازيكنان، داور و زمين بازي، تخريب اموال ورزشگاه و اتوبوس هاي حامل تماشاگران، مصداق‌هاي رفتار خشونت آميزِ طرفداران فوتبال درنظر گرفته‌شده اند.

با توجه به تعريفي كه از متغيرهاي مستقل و وابستة پژوهش انجام پذيرفت، فرضية كلان پژوهش حاضر اين است كه " ناكامي طرفداران تيم‌هاي فوتبال در دستيابي به اهداف ورزشي‌شان سبب گرايش آنان به انجام رفتار و اعمال پرخاش جويانه و خشونت‌آميز مي شود". اين فرضية كلي مي‌تواند در قالب 18 فرضيه خرد طرح و آزمون شود: به اين ترتيب كه همبستگي هر يك از متغيرهاي مستقل كه دلالت بر نوعي ناكامي دارند به طور جداگانه سه بار ـ يك مرتبه با پرخاشگري كلامي، يك مرتبه با خشونت فيزيكي و در نهايت با كليّت عمل خشونت و پرخاشگري ـ آزموده و بررسي شود.

5) روش‌شناسي

در اين پژوهش به منظور بررسي اعتبار تجربي تئوري ناكامي ـ پرخاشگري به تهية شاخص در باب احساس ناكامي، پرخاشگري و خشونت و مطالعة آن‌ها بين طرفداران فوتبال در شهر تهران اقدام شده است. به منظور سنجش احساس ناكامي بين طرفداران حاضر در مسابقه هاي فوتبال دو تيم پرسپوليس و استقلال، در باب هر يك از حالت هاي شش‌گانه‌اي كه به وجودآورندة احساس ناكامي در محيط ورزشگاه هستند طيفي مركب از هفت گزينه ـ شامل اصلاً (هيچ)، خيلي كم، كم، متوسط، زياد، خيلي زياد، و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

كاملاً ـ تنظيم شده است.
پژوهش حاضر به شيوة پيمايشي (Survey) انجام شده كه مزيت آن در مقايسه با روش‌هاي ديگر كارآمدي و قدرت توصيف مناسب ويژگي هاي واح دهاي تحليل و مقايسة دقيق خصوصيات آن‌ها به كمك استنباطات علّي است (دوآس،1377). اطلاعات پژوهش بر مبناي شاخص‌هاي تحقيق و از طريق پرسشنامه و مصاحبة شفاهي در ورزشگاه گردآوري شده است. در مطالعة مقدماتي، ابتدا 60 پرسش تهيه شد و پس از پيش‌آزمون(Pre–test)، در نهايت برخي پرسش ها به سبب ضعف پايائي (Reliability)، عدم اولويت، امكان ادغام در ساير پرسش‌ها و تشابه با يكديگر حذف شدند و پرسشنامه با حفظ تركيب اصلي به 40 پرسش كاهش يافت. پرسش‌گري پژوهش حاضر در ماه هاي مهر تا اسفند 1382 و در نوبت هاي مختلف برگزاري مسابقه هاي فوتبال ليگ برتر بر حسب توزيع نمونه در شهر تهران انجام شد.
براي تجزيه و تحليل داده هاي گردآوري‌شده، علاوه بر استفاده از شاخص هاي پراكندگي و گرايش به مركز، متناسب با مقياس سنجش متغيرهاي پژوهش از روش‌هاي سنجش همبستگي و پيوستگي مانند رگرسيون، تحليل واريانس، تحليل عاملي و جداول تقاطعي استفاده شده است.

6) جمعيت آماري و شيوة نمونه‌يابي

جمعيت آماري مطالعه شده در اين پژوهش را 284 نفر از طرفداران دو تيم پرطرفدار تهراني، يعني استقلال و پرسپوليس تشكيل داده‌اند كه به صورت تصادفي از بين طرفداران حاضر در ورزشگاه انتخاب شده‌اند. 60 درصد جمعيت نمونه (170 نفر) از طرفداران تيم پرسپوليس و 40 درصد (114 نفر) از طرفداران تيم استقلال هستند. نسبت مذكور با توجه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

به آمار حضور طرفداران دو تيم يادشده در فصل قبلي برگزاري ليگ برتر فوتبال در دو ورزشگاه تختي و آزادي در شهر تهران (81- 1382) در نظر گرفته شده است.* لازم به ذكر است كه با توجه به فقدان تفاوت معنادار آماري بين آماره هاي مربوط به تماشاگران د و تيم استقلال و پرسپوليس، به نتايج تحقيق به صورت كلي اشاره شده است.

شيوة نمونه گيري در اين پژوهش ، نمونه گيري خوشه اي همراه با طبقه بندي (Stratified cluster sampling) بوده است. در اين شيوه، اولين واحد نمونه گيري يا خوشه ها، گروه طرفداران دو تيم استقلال و پرسپوليس بوده اند. سپس در هر نوبت برگزاري مسابقه هاي دو تيم، از ميان طرفداران آن ها پاسخگوياني به صورت تصادفي انتخاب و با آن‌ها مصاحبه شده است . با وجود مشكلات مربوط به نمونه‌يابي و عدم همكاري برخي از پاسخگويان نمونه، تلاش گروه جمع آورندة داده‌ها بر اين بود كه تا حد امكان در زمان هاي مناسب قبل و بعد از مسابقه در ورزشگاه پرسش نامة پژوهش را تكميل كنند.

7) تجزيه و تحليل آماري نتايج

7ـ1) مشخصات كلي

نتايج پژوهش حاضر نشان مي دهد كه 276 نفر از پاسخگويان (97/2 درصد) مجرد و تنها 8 نفر (2/8 درصد) متأهل هستند. بررسي آماره هاي مربوط به سن حاكي از اين است كه ميانگين سن پاسخگويان 18/9

* آمار تماشاگران حاضر در ورزشگاه، هنگام برگزاري مسابقة دوتيم، از مطبوعات ورزشي استخراج شده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

سال است، و حداقل و حداكثر سن آن ها به ترتيب 15 و30 سال و ميانة سني آن ها 18 سال است. نگاهي به داده‌هاي مربوط به سن پاسخگويان نشان مي‌دهد كه اكثر آنان را نوجوانان و جوانان تشكيل مي دهند؛ به گونه اي كه بيش‌ترين درصد پاسخگويان حاضر در ورزشگاه با 41/5 درصد جمعيت، به گروه سني 17- 18 سال تعلق دارد.

بررسي اطلاعات مربوط به ميزان تحصيلات پاسخگويان نشان مي‌دهد كه اكثر آنان (41/5 درصد) داراي ميزان تحصيلاتي در حد ديپلم هستند. ميانگين ميزان تحصيلات پاسخگويان 10/8 و نما و ميانة آن 12 است. به عبارت ديگر، نيمي از پاسخگويان داراي تحصيلات كم تر از ديپلم و نيمي ديگر داراي تحصيلات ديپلم و بالاتر هستند.

2ـ7) احساس ناكامي

در ادامة مقاله ميزان احساس ناكامي آزمودني‌ها در رويارويي با وضعيت‌هايي كه ممكن است در هنگام حضور در ورزشگاه براي آنان ايجاد ناكامي كنند تحت بررسي قرار گرفته است. اطلاعات گردآوري شده نشان مي دهد كم ترين ميزان احساس ناكامي بين تماشاگران حاضر در ورزشگاه به گزينة «عدم دسترسي به تسهيلات و امكانات» برمي‌گردد. بيش از يك‌سوم پاسخگويان (35/2 درصد) در قبال فقدان يا كمبود تسهيلات و امكانات در ورزشگاه دچار احساس ناكامي به ميزان كم مي شوند. پس از اين گزينه ، با فاصله اي نسبتاً زياد گزينة مربوط به ناكامي براي حضور در ورزشگاه با ميزان 14/6 درصد قرار دارد. از طرف ديگر، بيش‌ترين ميزان احساس ناكامي به گزين ة «شكست تيم محبوب» مربوط مي شود؛ به گونه اي كه اين مقوله در 87/3 درصد از پاسخگويان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

به ميزان زياد توليد ناكامي مي‌كند. پس از آن دو گزينة «خطاي بازي‌كنان حريف» و «استنباط از قضاوت نامناسب و مغرضانة داور به زيان تيم محبوب» به ترتيب با 78/9 و 74/1 درصد در بين پاسخ‌گويان به ميزان زياد ايجاد ناكامي مي‌كند.

جدول 1: ميزان احساس ناكامي در برابر حالت‌هاي مختلف ناكامي تماشاگران در ورزشگاه

ميزان احساس ناكامي*	ناكامي براي حضور ورزشگاه	بازي نامناسب تيم محبوب	خطاي بازي‌كنان حريف	قضاوت نامناسب داور	عدم دسترسي به تسهيلات و امكانات	شكست تيم محبوب
كم	14/6	10/3	1/4	12/8	35/2	4/3
متوسط	66/7	63/2	19/7	13/1	46/5	8/4
زياد	18/7	26/5	78/9	74/1	18/3	87/3

* در جدول فوق مقادير مربوط به مقوله هاي خيلي كم و كم، زياد و خيلي زياد با يكديگر تركيب شده اند. (در هيچ يك از موارد پاسخ اصلاً وجود نداشت).

3-7) پرخاشگري و خشونت

براي سنجش پرخاشگري و خشونت بين جمعيت مطالعه شده، كلية رفتار و اعمالي كه به نوعي دلالت بر آسيب‌رساني روحي يا فيزيكي به اشخاص يا اشياء دارند تحت بررسي قرار گرفته اند. به اين منظور، اين موارد در ميان پاسخ‌گويان سنجيده شد: شعارهاي تحقيرآميز و زننده علية بازي‌كنان، هواداران و دست اندركاران تيم حريف؛ شعار بر عليه داور و ساير كارگزاران برگزاركنندة مسابقه؛ درگيري فيزيكي با هواداران تيم حريف؛ پرتاب اشياء و مواد منفجره به سمت بازي‌كنان، داور و زمين بازي؛ و تخريب اشياء و اموال ورزشگاه و وسايل حمل و نقل عمومي. نتيجة تحليل

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

عاملي متغيرهاي مربوط به پرخاشگري و خشونت نشان مي‌دهد كه متغيرهاي مذكور داري دو بعد هستند. اين دو بعد به اتفاق 66/7 درصد از رفتار پرخاشجويانه و خشونت آميز جمعيت مطالعه شده را تبيين مي كند. اولين بعد (عامل) روي متغيرهاي درگيري فيزيكي با هواداران تيم حريف، پرتاب اشياء و مواد منفجره به سمت بازيكنان، داور و زمين بازي و تخريب اموال ورزشگاه و وسايل حمل و نقل عمومي بارگذاري شده كه به ميزان 40/8 درصد تبيين كنندة رفتار خشن و پرخاشجويانه است. عامل دوم روي متغيرهاي شعارهاي تحقيرآميز و زننده عليه بازيكنان، هواداران و دست اندركاران تيم حريف و شعار علي ه داور و ساير كارگزاران برگزاركنندة مسابقه بارگذاري شده است ، كه به ميزان 25/9 درصد تغييرات رفتار پرخاش جويانه و خشونت‌آميز طرفداران فرتبال دراين پژوهش را تبيين مي كنند. دو عامل مذكور تحت عنوان پرخاشگري كلامي و خشونت فيزيكي بررسي قرار گرفته اند.

1-3-7) پرخاشگري كلامي

پرخاشگري كلامي شامل شعارهاي تحقيرآميز و داراي مضامين ناپسند و زننده است كه عليه بازيكنان، هواداران و دست اندركاران تيم حريف و نيز علي ه داور و ساير كارگزاران برگزاركنندة مسابقه سرداده مي شود. براي محاسبة اين نوع پرخاشگري، انجام عمل ـ يعني پرخاشگري كلامي ـ در ميزان وقوع آن ضرب شده و سپس نمرات به‌دست آمده در پنج گزينه جاي گرفته اند. بررسي داده هاي پژوهش نشان مي‌دهد كه با توجه به ميزان تكرار اين نوع پرخاشگري و انجام آن بين افراد مطالعه شده در اين پژوهش، 58/5 درصد از پاسخگويان فاقد اين

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

نوع پرخاشگري، 10/5 درصد داراي پرخاشگري كلامي كم و 14/1 درصد داراي پرخاشگري كلامي متوسط هستند. همچنين، 15/5 و 1/4 درصد از پاسخگويان به ترتيب داراي پرخاشگري كلامي زياد و بسيار زياد هستند.

شعارهاي طرفداران دو تيم استقلال و پرسپوليس هنگام حضور در ورزشگاه و حين بازي تيم هاي مورد علاقه‌شان، در سه گزينه عمده جاي مي‌گيرد:

الف) ابراز علاقة عاطفي به بازيكنان و مربي تيم موردعلاقه، با بهرگيري از شعارهايي كه صرفاً داراي بار عاطفي و محبت‌آميز هستند و نشانگر علاقه‌مندي به تيم و بازيكنان محبوب است.

ب) تشبيه تيم و بازيكنان مورد علاقه به نمونه‌هاي مشهور بين‌المللي در عرصة فوتبال كه در شعارهايي مانند: اس. اس. آ.ث ميلان، پرسپوليسِ منچستر، كريميِ ريوالدو و غيره تجلي مي‌يابد.

ج) شعارهايي كه به منظور حمايت از تيم يا بازيكنان مورد علاقه ابراز مي‌شود و داراي مضامين نظامي و احياناً پرخاش جويانه يا خشونت آميز هستند.

نزديك به نيمي از طرفداران (47 درصد) شعارهايي در طرفداري از تيم محبوب، بازيكنان مورد علاق ه و بعضاً مربي تيم محبوب سرمي دهند. محتواي اين قبيل شعارها از يك سو داراي بار عاطفي است، و از ديگرسو ناظر به ت أكيد بر توانايي‌هاي ورزشي و فني بازيكنان تيم محبوب است. طرفداران تيم هاي مذكور بر اين باورند كه حمايت عاطفي از بازيكنان تيم محبوب سبب افزايش توان روحي آنان و در نهايت ايجاد فرصت براي بروز توان‌مندي‌هاي فيزيكي بازيكنان در داخل بازي مي‌شود. در برخي مواقع نيز هواداران تيم ها با بهره‌گيري از ادبيات نظامي سعي در ترغيب تيم

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

محبوب به گل زدن مي‌كنند. پس از شعارهاي مبتني برطرفداري از تيم و بازيكنان تيم محبوب، 37درصد از شعارها معطوف به شعارهاي تحق يرآميز نسبت به تيم حريف و طرفدارانش است كه اين قبيل شعارها با هدفي دوگانه داده مي شود: تضعيف روحية بازيكنان تيم حريف و تقويت روحية بازيكنان تيم محبوب. افزون بردو مقوله اي كه ذكر شد، 16 درصد از طرفداران دو تيم استقلال و پرسپوليس در هنگام برگزاري مسابقه مبادرت به دادن شعارهاي زننده مي‌كنند.

2-3-7) خشونت فيزيكي

براي سنجش خشونت فيزيكي تماشاگران مسابقه هاي فوتبال در محيط ورزشگاه سه رفتار كلي تحت توجه قرار گرفته است. اين سه رفتار عبارتند از درگيري فيزيكي با هواداران تيم حريف؛ پرتاب اشياء و مواد منفجره به سمت بازيكنان، داور و زمين بازي؛ و تخريب اموال ورزشگاه و وسايل حمل و نقل عمومي كه براي جابه جايي تماشاگران به ورزشگاه اختصاص يافته‌اند. در اين باره نيز، مانند پرخاش گري كلامي، انجام عمل خشونت آميز با فراواني وقوع آن تركيب شده و سپس به دسته‌بندي پاسخگويان منجر شده است. به اين ترتيب، 23/9 درصد از پاسخگويان هيچگونه رفتاري كه مصداق خشونت فيزيكي باشد انجام نمي‌دهند، 32/4 درصد در حد كم، 26/8 درصد در حد متوسط، 8/5 درصد در حد زياد و 8/4 درصد نيز در حد بسيار زياد مرتكب رفتار خشونت آميز در هنگام حضور در ورزشگاه مي‌شوند.

8) پرخاشگري كلامي و خشونت فيزيكي

تركيب نتايج مربوط به دو شاخص پرخاشگري كلامي و خشونت فيزيكي حاكي از اين است كه 21/8 درصد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

تماشاگران و هواداران تيم هاي فوتبال مطالعه شده در اين پژوهش هنگام حضور در ورزشگاه فاقد رفتار پرخاشجويانه و خشونت آميز هستند. 31/8 و 20/4 درصد نيز به ترتيب داراي رفتار پرخاش جويانه و خشونت‌آميز به ميزان كم و متوسط هستند . هم‌چنين، 16/2 درصد از پاسخگويان داراي رفتاري پرخاشجويانه و خشونت آميز در حد بسيار زياد و 9/8 درصد در حد بسيار زياد هستند.

بررسي رفتار پرخاش جويانه و خشونت آميز تماشاگران نشانگر اين است كه بيش ترين نسبت رفتارِ پرخاش جويانه و خشونت آميزي كه افراد مذكورهنگام حضور در مسابقه هاي فوتبال انجام مي‌دهند، شعار دادن عليه تيم هاي حريف است. 64/8 درصد از افراد مطالعه شده اذعان كرده‌اند كه به تناوب هنگام حضور در ورزشگاه مبادرت به دادن چنين شعارهايي مي كنند. البته در اين مورد شعارهاي توهين‌آميز و زننده كه حالت پرخاشجويانه دارند از شعارهاي عادي تفكيك نشده‌اند.

جدول 2: نسبت انجام رفتارهاي پرخاشجويانه و خشونت‌آميز افراد نمونه در طول حضور در مسابقه‌هاي فوتبال

رفتار پرخاشجويانه وخشونت‌آميز	درگيري با هواداران تيم حريف	شعار عليهٔ تيم‌حريف	شعار نويسي روي ديوار	پرتاب اشياء	پرتاب مواد منفجره	تخريب اموال ورزشگاه	پاره‌كردن صندلي اتوبوس‌ها
بلي	16/6	64/8	12/7	12	7/7	19/7	16/2
خير	83/4	35/2	87/3	88	92/3	80/3	83/4

صرفنظر از مقولة بالا،گزينة «تخريب اموال ورزشگاه» با 19/7 درصد بيش از ساير گزينه ها قرار دارد و پس از آن گزينه هاي «درگيري با هواداران تيم حريف » و «پاره كردن صندلي اتوبوس‌هاي مخصوص حمل تماشاگران» به ترتيب با

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

16/6 و 16/2 درصد قرار دارند . كم‌ترين رفتار خشونت‌آميز تماشاگران هنگام حضور د ر ورزشگاه به گزينة «پرتاب مواد منفجره» مربوط مي‌شود كه تنها 7/7 درصد از افراد تحت مطالعه اذعان كرده‌اند كه در زمان‌هاي حضور در مسابقه هاي فوتبال مبادرت به انجام عمل مذكور كرده‌اند.

89/7 درصد از پاسخگوياني كه مرتكب رفتار پرخاشجويانه و خشونت آميز مي‌شوند عنوان كرده اند كه اين رفتار را به صورت جمعي و با مشاركت ساير هواداران انجام مي‌دهند.

9) نگرش جمعيت نمونه در خصوص علل خشونت و پرخاشگري تماشاگران

نگرش پاسخگويان در اين پژوهش در باب دلايل انجام رفتار پرخاش جويانه و خشونت آميز در عرصة ورزشگاه‌ها به تفكيك بين دو گروه از پاسخگويان سنجيده و ارزيابي شده است. همان‌گونه كه پيشتر ذكر شد 26 درصد از پاسخگويان، رفتار پرخاشجويانه و خشونت‌آميز را در حد زياد و بسيار زياد انجام مي‌دهند و ساير افراد (74درصد) كم‌تر از حد متوسط مرتكب چنين رفتاري مي شوند. با بهره‌گيري از روي ه‌اي مبتني بر فرافكني (Projection) به سنجش نگرش اين دسته از پاسخگويان در خصوص علل انجام چنين رفتاري اقدام شد كه در جواب 35/1 درصد به باخت، ناكامي و عدم نتيجه گيري تيم محبوب، 21/6 درصد به فقدان امكانات و تجهيزات مناسب در ورزشگاه، 16/2 به تربيت نامناسب و محيط فرهنگي نامساعد، 13/5 درصد به كمبود اوقات فراغت و فرصت هاي تفريحي و 5/4 درصد نيز به فشارهاي روحي ـ رواني و فضاي هيجاني حاكم بر محيط اشاره كردند . 8/1 درصد نيز در اين مورد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

اظهارنظر نکردند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

جدول 3: نگرش جمعيت نمونه در خصوص علل خشونت و پرخاشگري به تفكيك دو گروه پاسخگويان پرخاشجو وخشن و پاسخگويان عادي

دلايل خشونت و پرخاشگري	ناكامي تيم محبوب	فقدان امكانات دروزشگاه	تربيت‌نامناسب ومحيط‌فرهنگي نامساعد	كمبود اوقات فراغت	فشارهاي روحي ـ رواني	خودنمايي و ابراز وجود	نارضايتي سياسي	بدون نظر
پاسخگويان پرخاشجو وخشن	35/1	21/6	16/2	13/5	5/4	ـــــ	ـــــ	8/1
پاسخگويان ديگر (عادي)	15/4	2/6	20	3/7	15	19	5/7	18/6

7 sig=0/0000 n=284 Cramer's v=0/42 d.f=

$34/27 = X^2$

اما ساير پاسخگويان كه رفتار آن‌ها در عرصة ورزشگاه‌ها را مي‌توان عادي تلقي كرد، در خصوص علت انجام رفتار پرخاشجويانه و خشونت‌آميز داراي نگرشي متفاوت هستند. 20 درصد پاسخگويان اين گروه به تربيت نامناسب و محيط فرهنگي نامساعد، 19 درصد به خودنمايي و ابراز وجود، 15/4 درصد به ناكامي تيم محبوب، 15 درصد به فشارهاي رو حي ـ رواني، 5/7 درصد به نارضايتي سياسي، 3/7 درصد به كمبود اوقات فراغت و فرصت هاي تفريحي و 2/6 به فقدان امكانات و تجهيزات مناسب در ورزشگاه به عنوان علل انجام رفتار پرخاشجويانه و خشونت‌آميز در عرصة ورزشگاه اشاره كرده اند. آمارة X2 اين فرض را كه بين نگرش هاي دو گروه پاسخگويان تفاوت وجود دارد تأييد مي كند. در حالي كه بيش يك‌سوم از پاسخگويان پرخاشجو و خشن، ناكامي تيم محبوب را علت اصلي رفت ار پرخاشجويانه و خشن دانسته اند، اين نسبت بين پاسخگويان ديگر15/4درصد است. اگر سه گزينة شكست تيم محبوب، فقدان تجهيزات و ا مكانات خدماتي و رفاهي مناسب در ورزشگاه و عدم دسترسي به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

امكانات تفريحي و اوقات فراغت با يكديگر به عنوان عللي كه داراي منشأ ناكامي هستند در نظر گرفته شوند، بيش از دوسوم پاسخگويان پرخاشجو و خشن (70/2 درصد)، به نوعي وقوع چنين رفتاري را به ناكامي نسبت داده اند. اما پاسخگويان عادي، به همين گزينه ها به ميزان 21/7 درصد اشاره كرده اند. از طرف ديگر، مشاهده مي شود كه پاسخگويان پرخاشجو و خشن هيچ كدام به دو گزينة خودنمايي و نارضايتي سياسي اشاره نكرده اند، و اين درحالي است كه 24/7 درصد پاسخگويان عادي به اين دو مقول ه اشاره كرده اند. همچنين، بخش عمده اي از پاسخگويان (70/3 درصد) در پاسخ به پرسش «زمان انجام رفتار پرخاشجويانه و خشونت‌آميز تماشاگران فوتبال »، 15/3 درصد به زمان برگزاري بازي و 14/4 درصد نيز به زمان قبل از برگزاري بازي اشاره كرده اند.

10) آزمون فرضيه هاي پژوهش

به منظور جلوگيري از طولاني شدن كلام در اين قسمت، به انعكاس فرضيه هاي تأييد شده در اين پژوهش بسنده مي‌شود. براي آزمون فرضيه ها از ضريب همبستگي اسپرمن (Spearman's rho) استفاده شده است. نتايج آزمون فرضيه ها نشان مي‌دهد كه از 18 فرضية اين پژوهش 8 فرضيه تأييد و 10 فرضيه رد شده است. بر اساس اين نتايج، چهار متغير مربوط به ناكامي (يعني شكست و ناكامي تيم محبوب، خطاي بازيكنان تيم محبوب، استنباط از داوري مغرضانه و نادرست عليه تيم محبوب و عدم دسترسي به تجهيزات و امكانات رفاهي و خدماتي در ورزشگاه)، به گونه اي معن ادار بر انجام پرخاشگري كلامي تماشاگران فوتبال تأثير مي گذارند. همچنين دو متغير استنباط از داوري مغرضانه و نادرست عليه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

تيم محبوب و شكست و ناكامي تيم محبوب در انجام رفتار خشونت آميز تماشاگران و هواداران تيم هاي فوتبال در شهر تهران تأثير معنادار دارند . در مجموع، تنها دو متغير استنباط از داوري مغرضانه و نادرست عليه تيم محبوب، و شكست و ناكامي تيم محبوب بر رفتار پرخاشجويانه و خشن تماشاگران در شهر تهران تأثير معنادار است. نكتة جالب اين‌كه بين دو متغير مذكور نيز ارتباط معناداري به چشم مي‌خورد (rho = 0/216). هنگام ناكامي و شكست تيم‌هاي فوتبال همواره يكي از علل اصلي كه از جانب مربيان، بازيكنان و طرفداران تيم ناكام علت شكست عنوان مي‌شود، داوري نامناسب و مغرضانه به زيان تيم محبوب است؛ و نكتة جالب تر اين‌كه اگر در جريان يك مسابقه داور مرتكب اشتباه شود، مربي، مسئولان و هواداران تيم پيروز وجود اشتباه در كار داوري را امري طبيعي و اجتناب ناپذير تلقي مي‌كنند.*

جدول 4: ضرايب همبستگي اسپرمن بين عوامل ناكامي و پرخاشگري و خشونت*

عوامل ناكامي	عدم توفيق براي حضور در ورزشگاه	نمايش ضعيف تيم محبوب	خطاي بازيكنان حريف	قضاوت ناعادلانة داور	شكست تيم محبوب	عدم دسترسي به امكانات و تسهيلات

* اين موضوع به وضوح در پرطرف دارترين برنامة فوتبال تلويزيوني، يعني «برنامة 90» بازتابانده مي‌شود كه مصاحبه با مسئولان تيم‌ها در پايان هر بازي، به آن اشاره مي‌شود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

پرخاشگري كلامي	0/087 0/147 278	0/085 0/153 284	0/196 0/000 284	0/237 0/000 282	0/269 0/000 278	0/185 0/000 284
خشونت فيزيكي	0/079 0/215 278	0/057 0/360 272	0/075 0/244 284	0/155 0/000 282	0/170 0/000 278	0/111 0/062 284
پرخاشگري و خشونت	0/021 0/745 278	0/046 0/449 272	0/048 0/774 284	0/207 0/000 282	0/24 0/000 278	0/069 0/247 284

* در هر ستون ارقام بالا، وسط و پايين، به ترتيب به ضرايب همبستگي اسپرمن، درجة معناداري و تعداد آزمودني ها اشاره دارند.

براي تحليل بهتر فرضيه ها در چارچوب نظري اتخاذ شده، واكنش هاي مختلف پاسخگويان در قبال شديدترين نوع ناكامي، يعني ناكامي هواداران نسبت به شكست تيم خودي، تحت بررسي قرار مي‌گيرد.* داده هاي مربوط به اين متغير حاكي از اين است كه بيش از نيمي از پاسخگويان (54/9 درصد) در قبال اين نوع ناكامي موضعي انفعالي اختيار مي كنند و حدود يك چهارم (25/4) نيز مبادرت به تشويق تيم محبوب مي‌كنند. پس از آن، گزينه هاي توهين به بازيكنان و مسئولان تيم خودي، توهين به بازيكنان و مسئولان تيم حريف، تخريب اموال و نزاع با طرفداران تيم حريف و توهين به داور به ترتيب با 8/1، 4/9، 3/9 و 2/8 درصد قرار دارند. درواقع، اكثريت قابل توجهي از هواداران

* 87/3 درصد از كل پاسخگويان مطالعه شده اظهار داشته اند كه هنگام شكستِ تيم مورد علاقة خود به ميزان زيادي دچار احساس ناكامي و ناراحتي مي‌شوند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

(80/3 درصد) در قبال ناكامي تيم خود رفتاري كه متضمن پرخاشگري كلامي يا خشونت فيزيكي باشد انجام نمي دهند. بررسي سايرگزينه هاي واكنش به شكست تيم خودي نشان مي دهد كه 15/8 درصد از پاسخگويان در اين شرايط مرتكب پرخاشگري كلامي مي‌شوند و 3/9 درصد نيز به خشونت فيزيكي متوسل مي‌شوند. اطلاعات پژوهش نشان مي دهد كه در مجموع 19/7 درصد كل پاسخگويان مطالعه شده در مواجهه با شديدترين نوع ناكامي ورزشي رف تار پرخاشجويانه و خشونت آميز نشان مي دهند. با توجه به آزمون ضرايب مي توان چنين نت يجه گرفت كه ناكامي طرف داران تيم هاي فوتبال لزوماً به پرخاشگري و خشونت منجر نمي‌شود و گزينه هاي ديگري هنگام مواجهه با ناكامي پديدار مي‌شود.

11) نتيجه‌گيري و ارزيابي

يافته هاي پژوهش حاضر نشان مي دهد هرچند ناكامي، يكي از منابع رفتار پرخاشجويانه و خشونت آميز محسوب مي شود اما لزوماً و در همه حال به پرخاشگري و خشونت نمي انجامد. در واقع، ناكامي تنها يكي از عوامل متعدد و بالقو ة پرخاشگري است. به نظر بركويتز ناكامي ، خودبه‌خود سبب تحريك پرخاشگري نمي‌شود بلكه به عنوان «سازوكاري حاضر و آماده » براي واكنش پرخاشجويانه عمل مي‌كند. ناكامي و تكرار فزايندة آن ، به تدريج تمايل فرد ناكام را به نمايش واكنش پرخاشجويانه تقويت مي كند. بنابراين هر چه ناكامي ناخوشايندتر باشد، ميل به پرخاشگري نيز افزايش مي‌يابد.
(Byren & Baron,1993:444 & Brehm & Kassin,1993:359).
بركويتز اذعان مي‌كند كه ناكامي، با ايجاد خشم و عصبانيت، نوعي آمادگي عاطفي براي ارتكاب كنش هاي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

پرخاشگرايانه به‌وجود مي‌آورد. نشانه‌ها و نمادهاي خشونت‌آميز و پرخاشجويانه اين آمادگي را تقويت مي‌كنند (Myers,1994:248). به تعبير لينگرن، در اين فرايند الگوهاي نقش (Role Models) و مشاهدة پيامدهاي رفتار پرخاش گرايانة آن ها حايز اهميت است (Lindgren,1973:435).

نظريه‌پردازان تئوري يادگيري اجتماعي (Social learning Theory) بر اين باورند كه افراد ناكام با توجه به الگوهاي فرهنگي‌شان در قبال ناكامي ممكن است گزينه هاي ديگري جز پرخاشگري ـ مثل كمك گرفتن از ديگران، انطباق و سازگاري، كناره‌گيري، تلاش بيش‌تر، يا فراموشي و تخدير ذهن با مواد مخدر و الكل ـ اتخاذكنند. ناكامي عمدتاً در افرادي منجر به پرخاشگري مي‌شود كه آموخته باشند چنين مكانيزمي را در قبال تغيير وضعيت به كار برند (Atkinson & others ,1993:441).

نتايج برخي پژوهش‌ها نشان مي‌دهد، در اين خصوص كه پرخاشگري سطح تحريك فيزيكي افراد پرخاشگر را كاهش مي‌دهد و از اين طريق سبب كاهش خشونت و پرخاشگري مي‌شود، ترديد وجود دارد. پژوهش‌هاي بعدي نشان داد كه عكس اين حالت نيز صادق است، يعني پرخاشگري و خشونت سبب شكل گيري و حتي افزايش خشونت مي شود (Brehm & Kassin,1993:358-9). افزون بر اين، علت بروز و برانگيخته شدن خشم و عصبانيت ممكن است فعاليت‌هاي غيرخشن نيز باشد.

بنابراين مي‌توان اذعان كرد كه واكنش هاي متفاوت و گوناگوني در قبال ناكامي صورت مي‌گيرد، كه گسترة وسيعي شامل كناره گيري و يأس تا تلاش بيش‌تر براي غلبه بر منبع ناكامي را در بر مي‌گيرند. افزون براين،كلية موارد پرخاشگري نيز ناشي از ناكامي نيست و افراد پرخاش جو به علل گوناگون و در واكنش به عوامل مختلف مبادرت به پرخاشگري مي‌كنند. مثلاً ورزشكاران رشته مشت‌زني كه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

هدف اصلي شان آسيب رساندن به حريف به منظور پيروزي است، رفتارشان ارتباطي به ناكامي ندارد. سربازان و جنگ آوران نيز در هنگام جنگ ، نه به علت ناكامي، بلكه به علل ديگر مانند دفاع از ميهن است به خشن ترين كنش ها مي زنند. امروزه بسياري از روان شناسان و روان شناسان اجتماعي ناكامي را در كنار ساير عوامل به عنوان يكي از عوامل بالقوة موجد پرخاش گري در نظر مي گيرند (Byren & Baron,1993:444).

سطح تحليل تئوري ناكامي ـ پرخاش‌گري ناظر به جنبه‌هاي رواني و فردي است و براي تبيين خشونت و پرخاش‌گري جمعي از تعميم پذيري بسياري، به ويژه در عرصة ورزش و بين تماشاگران مسابقه هاي فوتبال، برخوردار نيست. به نظر مي رسد نظريه‌پردازان اين تئوري به سبب توجه به عوامل خارجي و بيروني در خصوص احتمال جل وگيري از رفتارهاي پرخاش‌جويانه تا حدودي خوش بين هستند. اما با توجه به اين كه ناكامي و محروميت به شكل‌هاي مختلف در جنبه هاي گوناگون زندگي روزمره تجلي مي‌يابد، اين نظريه پاسخ قانع كننده اي در خصوص منابع مستمر ـ و اغلب اجتناب ناپذير ـ محرك‌هاي پرخاش‌گري، ارائه نمي كند (Brehm & Kassin,1993:438). از ديگرسو، به نظر مي رسد كه اين تئوري از نظر معرفتي نيز با اشكال مواجه است : پيش‌فرض‌هاي آغازين اين تئوري، كه بعدها پيوسته دستخوش تجديدنظر و اصلاح قرار گرفت، مبتني بر دور باطلي است كه پرخاش‌گري را حاصل ناكامي و ناكامي را نيز حاصل پرخاش‌گري مي‌داند. هم‌چنين در اين تئوري منبع يا منابع ناكامي طرف توجه قرار نگرفته‌اند. به عبارت ديگر، در اين تئوري سخن چنداني در خصوص عوامل به وجودآورندة ناكامي، ماهيت اين عوامل و انواع آن ابراز نمي‌شود.

ورزش به عنوان پديده اي اجتماعي ذاتاً نه خوب و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

نه بد است. ورزش، از يك سو براي مردم فرصت هايي براي رقابت لذت بخش و مهيج ، و م بارزة فيزيكي كنترل شده فراهم مي كند، و از طرف ديگر منبعي براي پرخاشگري ناشي از ناكامي است. اينكه ورزش متضمن روحيه دوستانه در رقابتي بدون خشونت است يا اينكه فعاليتي جدي و خش ن است، بستگي به ارزشها، كيفيت جامعه پذيري و انگاره هاي شخصيتي شركتكنندگان در فعاليت هاي ورزشي دارد. اگر منع دروني شديدي در قبال تجلي آشكار و بي پرواي خشونت وجود داشته باشد، ورزشكاران در برابر تمايلات پرخاشجويانه خويشتنداري نشان مي‌دهند. هر چند ورزش ابزاري سودمند براي ايجاد خويشتن داري است، اما اين عامل در برابر شرايط اجتماعي شركتكنندگان و فرهنگي كه در آن پرورش يافته اند از اهميت كم‌تري برخوردار است.

با وجود انتقاداتي كه به تئوري ناكامي ـ پرخاشگري وارد شده است، تجربه نشان مي دهد كه برخي از جنبه هاي رف تار نابهنجار تماشاگران رويدادهاي ورزشي، ناشي از ناكامي آنان در تحقق اهدافشان در جريان برگزاري رقابت‌هاي ورزشي است. به عنوان مثال، اعتراض و توهين تماشاگران و هواداران يك تيم ورزشي خاص به داور مسابقه هنگام عدم تناسب تصميم گيري داور با انتظارات آنان، يا تخريب اموال ورزشگاه در مواقعي كه تماشاگران احساس مي كنند امكانات و تسهيلا ت مناسبي در اختيارشان قرار نمي گيرد، ناسزاها و حركات كم و بيش ويرانگرانه‌اي كه طرفداران تيم‌ها پس از ناكامي تيم‌هاي محبوب خويش انجام مي‌دهند و رفتارهايي از اين قبيل را مي توان در چارچوب تئوري ناكامي ـ پرخاشگري تحت ارزيابي قرار داد. اما، در اين باره نيز، با استناد به اين تئوري امكان تبيين كلية اشكال خشونت و پرخاشگري بين تماشاگران رويدادهاي ورزشي امكان پذير نيست. در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

اين باره نيز نگاهي به تجربة رفتار تماشاگران در ايران و ساير كشورها نشان مي‌دهد كه واكنش نسبت به باخت تيم محبوب و استنباط از داوري ناعادلانه و مواردي از اين قبيل ، الزاماً پرخاشجويانه و خشونت آميز نيست. مشاهدات نشان مي‌دهد كه در بيش تر موارد تماشاگران با آرامشي نسبي و يا حداكثر با اعتراض هاي آرام و غيرپرخاشجويانه به اين قبيل م سائل واكنش نشان مي‌دهند. اين تجربه ها نشان‌گر اين است كه آموزش مناسب، پذيرش منطقي واقعيت ـ از جمله پذيرش برتري تيم رقيب ـ برخورداري از روحية تساهل و ... عواملي هستند كه مي توانند بر جلوگيري از منجر شدن ناكامي به پرخاشگري و خشونت، تأثير بگذارند. در واقع اي ن تئوري با تلاش به منظور فرو كاستن پديد ة خشونت و پرخاشگري به مقوله اي صرفاً رواني، از تأثير نهادهاي پرورشي جامعه در شكل‌گيري و رسوخ فرهنگ خشونت در مجامع ورزشي غفلت ورزيده است. ديدگاه مذكور بدين لحاظ كه بدون توجه به جنبه هاي اجتماعي ورزش، اين پديده و فرآين‌دهاي ملازم آن، مانند خشونت و پرخاشگري را خارج از چارچوب ساختاري آن تحت بررسي قرار داده، نقدشدني و در معرض چالش است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

منابع
References

1. ارونسون، الیوت (1369). **روانشناسي اجتماعي**. ترجمة حسين شكركن. انتشارات رشد.
2. دواس، دي (1377). **پيمايش در تحقيقات اجتماعي**. ترجمة هوشنگ نايبي. نشر ني.
3. كرچفيلد، ريچارد اس؛ كرچ،ديويد و بلاكي،رجرتون ال. (1347). **فرد و اجتماع**. ترجمه محمود صناعي. انتشارات زوار.
4. محسني تبريزي، علي رضا (1374). **بررسي وندااليسم در تهران**. مؤسسه مطالعات و تحقيقات اجتماعي دانشگاه تهران.
5. محسني تبريزي، علي رضا (1379). **"مباني نظري و تجربي وندااليسم :مروري بر يافته هاي يك تحقيق"**. نام ة علوم اجتماعي، شماره 16، پائيز و زمستان.
6. ويليامز، جان؛ دانينگ،اريك؛ و مورفي، پاتريك (1379). **كندوكاوي در اوباشي گري در فوتبال"**. ترجمة و تلخيص حسن افشار . نشر مركز.

7. Alderman, R.B. (1974) **"psychological Behavior in Sport"**. Philadelphia: W.B.Saundres.
8. Argyle, Michael (1993). **"Bodily Communication"**. Routledge.
9. Atkinson, Rita., Atkinson, Richard., Smith, Edward and Bom., Darly J. (1993). **"Introduction to psychology"**. Harcourt Brace Jovanovich College Publishers.
10. Baenninger, Ronald (1991) **"Target of Violence and Aggression"**. Elsevier Science Publishers B.V.North-Holland.
11. Baron, Robert and Byren, Donn (1993) **"Social Psychology: Understanding Human Interaction"**. Allyn and Bacon.
12. Berkowitz, Leonard (1986) **"A Survey of Social Psychology"**. CBS College Publishing.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

منابع
References

13. Blanchard, Kendall (1985) **"The Anthropology of Sport"**. Bergin and Garvey Publishers, Inc.
14. Brehm, Sharon S. and Kassin, Saul M. (1993) **"Social Psychology"**. Houghton Mifflin Company.
15. Cashmore, Ellis (1998) **"Making Sense of Sports"**. Routledge.
16. Coakley, Jay J. (1998). **"Sport in Society: Issues and Controversies"** McGraw-Hill Inc.
17. Collins, Barry E. (1970). **"Social Psychology"**. Addison-Wesley Publishing Company.
18. Leonard, Willbert Marcellus (1988) **"A Sociological Perspective of Sport"**. New York: Macmillan Publishing Company.
19. Lindgren, Henry Clay (1973). **"An Introduction to Social Psychology"**. John Wiley and Sons.
20. Myers, David G. (1994): **"Exploring Social Psychology"**. McGraw-Hill, Inc.
21. Russel, Gordon W. (1993). **"The Social Psychology of Sport"**. New York: Springer – Verlag.
22. Smith, Peter B. and Bond, Michael Harris (1993). **"Social Psychology across Cultures: Analysis and Perspectives"**. Harvester Wheat sheaf.
23. Schellenberg, James A. (1974). **"An Introduction to Social Psychology"**. Random House, Inc.
24. Terry, Peter and Jackson, John J. (1985). **"The Determinants and Control of Violence in Sport"**. Quest, 37(1).
25. Wiggins, James A., Wiggins; Beverly B. and Vander, Zanden James (1994). **"Social Psychology"**. McGraw-Hill, Inc.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]